

# تدوین الگوی منابع انگیزش اخلاقی در قرآن (بر اساس کتاب تفسیرالمیزان)<sup>۱</sup>

فاطمه وجدانی<sup>۲</sup>

## چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی و تبیین نظام انگیزش اخلاقی در قرآن کریم و ارائه الگویی برای آن بر اساس کتاب تفسیرالمیزان است. روش انجام تحقیق، روش توصیفی - تحلیلی است و از شیوه استنتاج قیاسی برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق بهره‌گیری شده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش، بیانگر آن است که دست کم شش منبع انگیزشی برای اخلاق‌ورزی وجود دارد. در این الگو، «گرایش‌های فطری» به منزله انگیزه پایه و مبنایی برای اخلاق‌ورزی مطرح می‌شوند. مسیر تغییرات اصلی در انگیزش اخلاقی را می‌توان از «مقبولیت اجتماعی» به «آسایش اخروی» و سپس «محبت الهی» در نظر گرفت. طبیعتاً برای پیشرفت در هر مرحله، مشاهده و الهام گرفتن از «الگو»های متناسب، منبع انگیزشی مفیدی خواهد بود. همچنین، هر مرتبه از انگیزه‌ها و اعمال اخلاقی، به مرور بر اثر مداومت، «منش تقوایی» متناسب با خود را ایجاد می‌کند که آن هم به نوبه خود می‌تواند به عنوان یک منبع انگیزشی قدرتمند و مکمل وارد عمل شود.

## واژگان کلیدی

قرآن کریم، الگوی انگیزش اخلاقی، منش تقوایی، منابع انگیزشی، تفسیرالمیزان

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۴/۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۴

۲- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی

## ۱- بیان مسئله

مقوله اخلاق و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، همواره به عنوان یکی از اساسی‌ترین عوامل مؤثر بر سلامت و سعادت فردی و سامان‌دهنده نظام اجتماعی، در طول تاریخ مورد توجه اندیشمندان و متفکران اجتماعی بوده است. در همین راستا، نهادهای گوناگونی از جمله نهاد خانواده و نهاد تعلیم و تربیت به صورت جدی، تربیت اخلاقی نسل‌های جدید را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. البته تربیت، دشواری‌های خاص خود را دارد و یکی از این پیچیدگی‌ها، مسئله «انگیزش اخلاقی»<sup>۱</sup> است. فراهم کردن انگیزه اخلاقی مناسب، می‌تواند شکاف میان نظر و عمل را پر کند. لذا غفلت از بحث انگیزش اخلاقی و بسنده کردن به آموزش نظری ارزش‌ها می‌تواند منجر به بی‌ثمر ماندن برنامه‌های تربیت اخلاقی شود. بر این اساس، انگیزش اخلاقی، یکی از بحث‌های مهم در فلسفه اخلاق و به ویژه، در روانشناسی اخلاق است.

هیچ فعل اختیاری بدون انگیزه محقق نمی‌شود؛ به همین دلیل عمل اخلاقی هم از این قاعده مستثنی نیست. انگیزه‌ها، فرد را در موقعیت‌های مختلف فعال کرده و به حرکت و جنبش وا می‌دارند (اسماعیلی تاجیک، ۱۳۸۸). انگیزه‌ها، نیروهایی هستند که موجب بروز فعالیت یا رفتار خاص یا تداوم آن شده و به سوی هدف‌هایی طی طریق می‌کنند که ممکن است از روی شعور آگاه یا شعور نیمه‌آگاه باشد (آقا پیروز و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱). انگیزه اخلاقی نیز، فرآیندی است که با آن، فرد برای عمل اخلاقی، ارزشی بالاتر از دیگر اعمال قائل شده (بایلی و توما، ۲۰۱۰، ص ۶) و به آن جامه عمل می‌پوشاند.

اندیشمندان و پژوهشگران اخلاق در طول تاریخ به دنبال یافتن مبدأ، انگیزه و محرکی بوده‌اند که آدمی را به عمل اخلاقی وا می‌دارد. «سقراط» به عنوان یکی از قدیمی‌ترین اندیشمندان اخلاق، منشأ انگیزش اخلاقی انسان را، آگاهی و معرفت دانسته و معتقد بود اگر انسان، خوبی و بدی را به درستی بشناسد، هرگز مرتکب بد اخلاقی نمی‌شود. بعدها «ارسطو» به این نظر به دیده تردید نگریست و بیان کرد که علم به تنهایی نمی‌تواند منشأ اخلاق‌ورزی شود و بسیاری از افراد با اینکه خوب و بد را می‌شناسند، اما ممکن است در عمل به دانسته‌های خود پایبند نباشند. لذا پای مباحثی چون اراده و امیال را به بحث انگیزش اخلاقی باز کرد. «هیوم»، امیال را ریشه تمام کارها و از جمله اعمال اخلاقی یا غیر اخلاقی دانست (توماس، ترجمه منصور نصیری، ۱۳۸۴، ص ۳۰). امروزه نیز بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان اخلاق

---

1- Moral motivation

معتقدند که شناخت و معرفت اخلاقی، اگر چه می‌تواند توجیه‌کننده عمل اخلاقی باشد، اما برای برانگیختن افراد به انجام رفتار اخلاقی، کافی نیست. برخی تحقیقات میدانی نیز از این نظر حمایت کرده و نشان می‌دهند علم به ارزش‌های اخلاقی، پایبندی به عمل اخلاقی را تضمین نمی‌کند (بلزی، ۱۹۸۰؛ توما، ۱۹۹۴؛ اسماعیلی، ۱۳۷۹؛ طالبی، ۱۳۸۰؛ بیات، ۱۳۷۳).

در نظریات جدیدتر، نادینگز<sup>۱</sup> (۱۹۹۲ و ۱۹۹۵)، حس همدردی یا همدلی را به عنوان اساس عملکرد اخلاقی مورد تأکید ویژه قرار داده است. سپس هاردی<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در نگاهی جامع‌تر، هویت، استدلال و عواطف را به عنوان سه منبع انگیزش اخلاقی معرفی کرد. پس از او ویسبراد<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) نشان داد که صفات شخصی (مانند تقوا) یا شرایط محیطی (مانند انگیزش اخلاقی)، می‌توانند باعث ارتباط بین استدلال اخلاقی و رفتار اخلاقی شوند. اسکالمن<sup>۴</sup> (ترجمه جهانگیرزاده، ۱۳۸۷) عنوان کرد که دست کم سه منبع مستقل برای انگیزش اخلاقی وجود دارد: تحریک همدلی، تعلقات اخلاقی (یا همانندسازی با الگوهای اخلاقی) و تعهد به اصول اخلاقی یا استانداردهای شخصی در مورد درست و غلط. به این ترتیب، شاهد تلاش فراوان اندیشمندان و پژوهشگران اخلاق در سراسر جهان در پی دستیابی به مؤثرترین منابع انگیزشی برای عمل اخلاقی هستیم؛ اما به رغم نظریه‌پردازی‌های گوناگون، هنوز کاستی‌ها و نواقص زیادی در این مورد وجود دارد و نظام‌های تربیتی همچنان با مسئله ضعف انگیزشی متربیان دست به گریبان هستند. به نظر می‌رسد تکاپوی فکری بشر در این زمینه، آنگونه که باید، متمرکز واقع نشده است و به‌ویژه در فضای جهان‌بینی اسلامی امید می‌رود که بتوان در پرتوی بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن کریم، پاسخ بهتری برای این مسئله یافت.

آیات قرآن کریم اجمالاً به این مطلب اشاره دارند که در بسیاری از اوقات، افراد ممکن است به رغم داشتن معرفت، بر خلاف علم خود عمل کنند<sup>۵</sup>. لذا به نظر می‌رسد در فاصله میان علم تا عمل، عوامل دیگری نیز تأثیرگذار باشد. در این زمینه می‌توان با بررسی دقیق‌تر آیات، به ساختار نظام‌مندی از انگیزش اخلاقی دست یافت که این پژوهش دقیقاً در همین راستا انجام گرفته است.

1- Noddings, N.

2- Hardy, S. A.

3- Weisbrod, E.

4- Schulman, M.

۵- مانند: "و جحدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلماً و علواً" (نمل، ۱۴) و "و اتلّٰ عليهم نبأ الذی آتیناه آیاتنا فانسلخ منها فأتبعه الشيطان فکان من الغاوین" (اعراف، ۱۷۵).

مسئله اصلی این تحقیق، وجود کاستی در نظام انگیزش اخلاقی انسان‌ها است و هدف پژوهشگر، شناسایی نظام انگیزش اخلاقی مناسب برای متریان بر اساس قرآن کریم و کتاب تفسیرالمیزان است. در جهان‌بینی دینی، خداوند متعال به عنوان خالق و مربی بشر، ساختارها و ویژگی‌های روحی و روانی انسان‌ها را به بهترین وجه می‌شناسد و می‌تواند او را به اخلاق‌ورزی برانگیزد. در پژوهش‌هایی که تا کنون در این زمینه انجام شده، عمدتاً سه عامل تحسین اجتماع، ثواب و عقاب اخروی و محبت الهی (مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۱) یا فطریات شناختی، خداگرایی و کمال‌گرایی انسان (رزاقی، ۱۳۷۷) به عنوان منابع انگیزشی اخلاق معرفی شده‌اند. در این تحقیق تلاش شده تا الگویی کامل‌تر برای انگیزش اخلاقی بر اساس کتاب تفسیرالمیزان ارائه شود. در این راستا به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود:

- ۱- منابع انگیزش اخلاقی در قرآن کریم (بر اساس تفسیرالمیزان) کدامند؟
- ۲- چگونه می‌توان منابع انگیزشی مذکور را در قالب الگویی سازماندهی کرد؟

## ۲- روش

این پژوهش از نوع نظری بنیادی است. پژوهش بنیادی برای کسب دانش بیشتر و کشف قوانین کلی حاکم بر پدیده‌ها انجام می‌شود و در عین حال، پایه‌ای برای برنامه‌ریزی فعالیت‌های عملی فراهم می‌کند (دلاور، ۱۳۸۴، ص ۵۰؛ شریفی، ۱۳۸۳، ص ۸۵). همچنین در این پژوهش، منشأ انگیزش اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم و به ویژه بر اساس کتاب تفسیرالمیزان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در عین حال، این پژوهش می‌تواند به عنوان پایه تحقیقات کاربردی و طراحی برنامه‌های مؤثر در زمینه تربیت اخلاقی مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا بخش مهمی از هر برنامه تربیت اخلاقی، به ایجاد و تقویت انگیزه‌های مناسب و ارتقاء سطح انگیزشی متریان اختصاص دارد. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. در روش توصیفی - تحلیلی، اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتاب‌ها به دست می‌آید، به گونه‌ای سامان داده می‌شود که بتوان به پرسش‌های پژوهشی پاسخ داد (سرمه و همکاران، ۱۳۷۶). در این پژوهش نیز یافته‌ها به قصد طراحی الگوی نظام انگیزشی انسان سازماندهی می‌شوند.

## ۳- یافته‌ها

خداوند بر اساس علم و حکمت خویش، انسان‌ها را چه به لحاظ خصوصیات جسمی و چه از نظر ویژگی‌ها و ساختارهای روحی و روانی، مختلف و متفاوت آفریده است. به همان نسبت، عنایت به تفاوت‌های فردی و توجه به مراتب وجودی انسان‌ها در برنامه‌های تربیتی قرآن نیز به وضوح لحاظ شده است.

نظام انگیزشی نیز یکی از وجوه مهم برنامه تربیتی انسان‌ها است. با تأمل در آیات قرآن کریم می‌توان عوامل انگیزشی متفاوتی را مشاهده و در نهایت با تعمق بیشتر، آن‌ها را به صورتی نظام‌مند دسته‌بندی و سازماندهی کرد. در ادامه، ابتدا منابع انگیزشی مختلف در قرآن کریم به طور کلی معرفی شده و سپس تلاش خواهد شد تا این منابع انگیزشی در قالب الگویی سازمان‌دهی شوند.

### ۳-۱- انگیزه‌های اخلاق‌ورزی در قرآن کریم

شمار زیادی از آیات قرآن کریم به تبیین خوبی‌ها و بدی‌ها و به عبارت دیگر، به تقویت و تعمیق بعد شناختی انسان پرداخته است. اما قطعاً در ارتباط با بعد انگیزشی انسان نیز، آموزه‌های مفیدی در قرآن کریم وجود دارد. نویسنده در این تحقیق از طریق بررسی تفسیر آیات قرآن کریم در تفسیر المیزان، شش منبع انگیزشی در زمینه اخلاق را شناسایی کرده است:

**۳-۱-۱- گرایش فطری به خوبی‌ها:** در قرآن، فطرت، زیربنای اخلاق معرفی شده است. آدمی دارای فطرتی ملکوتی است که همواره عقاید حق و اعمال صالح را به او گوشزد می‌کند تا اینکه به کمال و سعادت حقیقی منتهی شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۷). این فطرت شامل فطرت عقل و فطرت دل است. به این معنا که فجور و تقوا به صورت افاضه‌ای الهی به انسان الهام می‌شود؛ یعنی آگاهی و علمی تصویری یا تصدیقی در دل آدمی می‌افتد تا به او بفهماند عملی که انجام می‌دهد، تقوا یا فجور است. این تقوا همان عقل عملی است (همان، ج ۲۰، ص ۵۰۰). علاوه بر شناخت ارزش‌ها، «گرایش» به حق و عدل نیز در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده است (همان، ج ۱۷، ص ۳۸۰). با این حال، صرف وجود فطرت برای اینکه انسان را به اخلاق‌ورزی وا دارد، کافی نیست. شاهد این مدعا انسان‌هایی هستند که به رغم وجود فطرت الهی از مسیر اخلاق‌ورزی منحرف شده و گرفتار بد اخلاقی‌های گوناگون شده‌اند (همان، ج ۱۲، ص ۳۷). در واقع، هدایت فطری به دلیل بالقوه بودن فطرت، اجمالی بودن نور فطرت، اشتغال ناپذیری بر تمامی احکام اخلاقی و احتمال پوشیده شدن فطرت و تطبیق آن با مصادیق غیر واقعی، در عین حال که زیربنا و لازمه اخلاق است، ولی کافی نیست (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۱). فطرت انسان در اثر علاقه به بهره‌گیری از لذایذ مادی، پیروی از هوا و هوس و افراط و تفریط در قوای نفسانی (شهوت و غضب)، محجوب و مستور می‌شود و چنین انسانی از عقل فطری خود بهره نخواهد برد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۹۵؛ همان، ج ۱۵، ص ۳۱۰). اما به هر حال، در انسان‌های سلیم‌القطره، دست کم بخشی از انگیزش و تمایل اخلاقی، فطری است.

### ۳-۱-۲- وصول به آسایش اخروی: بنا به نظر علامه طباطبایی، صاحب المیزان انگیزش اخلاقی

در بسیاری از مسلمانان که هنوز به محبت ربوبی و عبودیت خالص دست نیافته‌اند، با امید به پاداش‌های

بهشتی و به ویژه خوف از عذاب‌های اخروی تامین می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۲؛ همان، ج ۱، ص ۵۶۱).  
**۳-۱-۳- محبت الهی:** در تفسیرالمیزان، عالی‌ترین انگیزه برای اخلاق‌ورزی، لذت و بهجت از خداوند متعال و کسب رضایت او ذکر شده است. البته این سطح انگیزشی در افراد معدودی حاصل می‌شود. دل این خواص و بندگان مقرب، مجذوب محبوب و اسماء حسناى او است و این به یاد محبوب بودن و محبت او در دل، رو به ترقی می‌رود تا آنجا که پیوند دل از هر چیز دیگری به جز محبوب می‌گسلد و فرد در تمامی حرکات و سکنات از برنامه الهی پیروی می‌کند. در این مرتبه عالی از انگیزه اخلاقی، نه تأیید و تحسین مردمان در زندگی دنیوی و نه حتی نعمت‌ها یا عذاب‌های اخروی، هیچ یک برای فرد مطرح نیست و تنها محبت و رضایت محبوب (خداوند) او را به اخلاق‌ورزی برمی‌انگیزد (همان، ج ۱، صص ۵۶۳-۵۶۴؛ همان، ج ۳، صص ۵۷۰-۵۶۹؛ همان، ج ۷، ص ۵۲)؛ این افراد هر چند از عذاب خدا ترسناک و به ثواب او امیدوار هستند، اما محرک آن‌ها برای اطاعت، خوف و رجا نیست. آن‌ها حتی دو طریق خوف و رجا را نوعی شرک می‌دانند؛ زیرا در این دو طریق، مطلوب بالذات در حقیقت، جلب نعمت و امن از نقیمت است، نه خدای تعالی؛ در حالی که غرض از تهذیب اخلاق، تنها رضا و محبت خدا است که مختص دل‌های سلیم است (همان، ج ۱۱، صص ۲۱۸-۲۱۴).

**۳-۱-۴- مقبولیت و تأیید اجتماعی:** این نوع انگیزه، نازل‌ترین درجه از انگیزش اخلاقی است (همان، ج ۱، صص ۵۶۱-۵۳۴). در عین حال، از آنجا که صاحب‌المیزان این نوع انگیزه را به کلی بی‌اعتبار تلقی نمی‌کند و از طرف دیگر، انگیزه‌های متعالی‌تر منوط به ایمان به توحید و معاد است و ممکن است در دوران طفولیت و پیش از بلوغ عقلی و شرعی، دور از دسترس باشد، لذا می‌توان در شرایطی این نوع انگیزه حداقلی را نیز برای اخلاق‌ورزی پذیرفت و مورد استفاده قرار داد.

**۳-۱-۵- شخصیت و منش تقوا:** برخی از اندیشمندان حوزه اخلاق دریافته‌اند که منش، هویت و شخصیت اخلاقی در انسان، او را در موقعیت‌های مختلف به سمت تصمیم‌گیری، انتخاب و رفتار اخلاقی سوق می‌دهد و محرک او برای اخلاق‌ورزی می‌شود (هاردی، ۲۰۰۶). علامه طباطبایی نیز در تفسیرالمیزان، تأثیر منش و شخصیت را در برانگیختن فرد برای رفتار اخلاقی می‌پذیرد. به اعتقاد او بر اثر پایداری و مداومت بر رفتارهای اخلاقی، ملکه تقوا (خویشتن‌داری) در نفس شکل می‌گیرد که جامع تمامی ملکات اخلاقی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۱۲). به عبارت دیگر، شخصیت با تقوا، تعبیر

1- Hardy, S. A.

دیگری از همان شخصیت اخلاقی است. شخصیت اخلاقی یا با تقوا، یعنی یک «من قوی»<sup>۱</sup> که معمولاً در مقابل انگیزه‌های مخالف، مقاومت کرده و از عقیده درست پیروی می‌کند. البته منش تقوا، خود دارای مراتبی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۶۹). پایین‌ترین مرتبه تقوا، تقوای عام است که محدود به تقوای دینی هم نیست؛ بلکه لازمه انسانیت و لازمه زندگی هر فردی که می‌خواهد انسان باشد، این است که تحت فرمان عقل زندگی کرده و از اصول معینی پیروی کند. در این صورت، لازم است که به سوی یک هدف و یک جهت حرکت کند و خود را از اموری که با هوا و هوس‌های آنی او موافق است، اما با هدف او و اصولی که اتخاذ کرده، منافات دارد، حفظ کند (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۰). مرتبه بعدی تقوا، بر اساس خوف و رجا است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۱۴) و بالاترین مرتبه تقوا، حق تقوا است که مبتنی بر محبت و عبودیت خالصانه خداوند است (همان، ج ۳، ص ۵۶۹). تقوا پس از شکل‌گیری و تثبیت، خود منشأ عمل واقع شده و به عنوان یک منبع انگیزشی قدرتمند و بازدارنده، سایر منابع انگیزشی را تکمیل می‌کند.

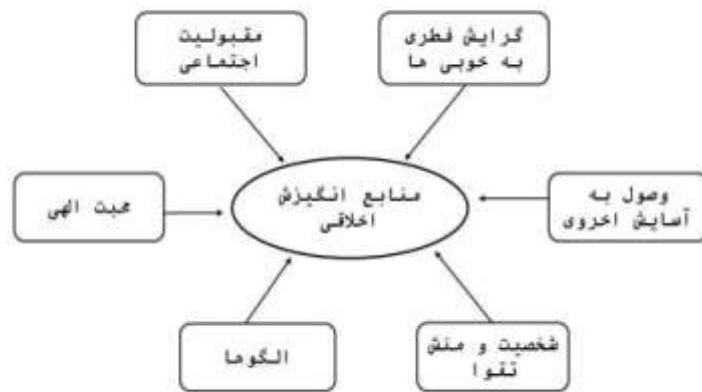
**۶-۱-۳- الگوها:** انسان یک موجود اجتماعی است و در انتخاب‌ها و رفتارهایش به درجات گوناگون، تحت تأثیر سایر افراد قرار می‌گیرد. تلقین‌پذیری، هم‌رنگی و همانندسازی یکی از ویژگی‌های انسان‌ها و یکی از واقعیت‌های زندگی روزمره است. البته میزان هم‌رنگی با جمع در میان افراد متفاوت است؛ میزان هم‌رنگی در افرادی که عزت نفس ضعیف‌تری دارند، افرادی که میل بیشتری به محبوبیت در میان مردم دارند و افراد سلطه‌پذیرتر، بیشتر از سایرین است (بدار<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۳۸۱). در نظریه‌های یادگیری مشاهده‌ای و اجتماعی نیز مشاهده الگو یکی از مشوق‌های قوی برای یادگیری و رفتار محسوب می‌شود.

در تفسیر المیزان، تأثیر جامعه و فرهنگ اجتماعی بر انگیزه‌ها، انتخاب‌ها و رفتارهای اخلاقی افراد به رسمیت شناخته شده است. برای عموم مردم، حرکت بر خلاف جامعه بسیار دشوار است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۶۵). وقتی انسان شاهد مردمانی در جامعه باشد که به حق عمل می‌کنند، او هم بدون واهمه و بدون درنگ، دست به انجام آن می‌زند؛ زیرا خوبی عمل به حق و امکان انجام آن را به چشم می‌بیند؛ تا چه رسد به این که ببیند همه افراد جامعه آن را انجام می‌دهند که در این صورت، بیشتر به انجام آن «تشویق» می‌شود (همان، ج ۶، ص ۱۱۷). بالعکس، مخالطه با اهل معصیت، انسان را با گناه مانوس کرده و احتمال انجام اعمال زشت را بیشتر می‌کند (همان، ج ۷، ص ۲۰۲). لذا صاحب

۱- حضرت علی علیه السلام: فان من اتقى عز و قوی (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۶۲۲).

2- Bedard, L.

المیزان، وجود جامعه صالح را برای تربیت اخلاقی انسان‌ها بسیار مورد تأکید قرار می‌دهد؛ جامعه‌ای که هدف مشترک همه افراد آن، سعادت حقیقی (رسیدن به قرب و منزلت نزد خدا) است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۵۴) و صلاح و تقوای دینی بر افراد آن غلبه دارد؛ یعنی مردم بر اساس ایمان و عمل صالح عمل می‌کنند<sup>۱</sup> (همان، ج ۵، ص ۲۶۶).



تصویر شماره ۱. منابع انگیزش اخلاقی

اکنون پس از بررسی منابع انگیزشی گوناگون در قرآن کریم، باید افزود آن دسته از منابع انگیزشی که متکی بر باورهای دینی (اعتقاد به توحید و معاد) هستند، ضمانت اجرایی قوی‌تری دارند. اعتقاد به حضور و نظارت دائمی خداوند در تمامی لحظات زندگی و بدون کوچکترین غفلت از یک سو و باور به نظام خلل‌ناپذیر دقیق و بسیار جدی حسابرسی اعمال در روز قیامت از سوی دیگر، قوی‌ترین مانع در برابر انحرافات اخلاقی است؛ زیرا اولاً، انسان مادی که هستی را در فاصله بین تولد و مرگ خلاصه می‌کند، برای خود سعادت بی‌سود را تصور نکرده و در اعمالش هدفی به جز رسیدن به لذایذ و مزایای مادی و دنیوی دنبال نمی‌کند. همچنین در نظر او، هواها و خواهش‌های نفسانی فریبنده‌تر

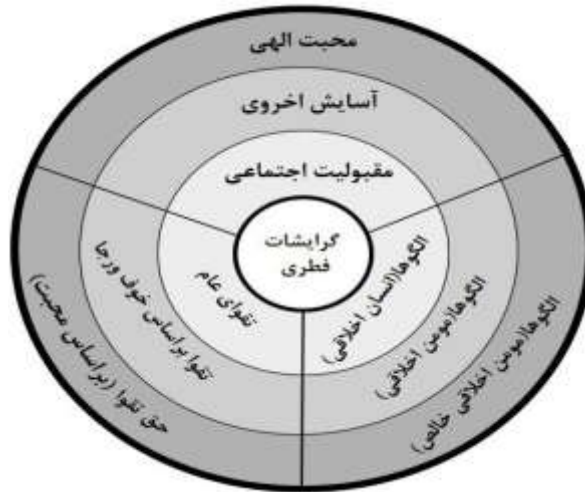
۱- "تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان" (مائده، ۲).



هستند (همان، ج ۱۹، ص ۴۵۵؛ همان، ج ۱۵، ص ۶۸). در این صورت، تحسین و تقبیح مردم تا حدی می‌تواند مشوق یا بازدارنده او باشد؛ زیرا تنها در امور مهمی که مردم از آن آگاه شوند، جریان دارد. اما در موقعیت های پنهانی، دیگر این دواعی مانع ارتکاب انسان نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۱۳). از طرف دیگر، مذمت مردم تا زمانی انسان را از ارتکاب عمل زشت باز می‌دارد که عمل عمومی نشده باشد؛ اما وقتی عمومی و مرسوم شد، دیگر زشت به حساب نمی‌آید و اساساً مذمتی وجود نخواهد داشت. لذا علامه طباطبایی، ریشه تمام بد اخلاقی‌ها و تخطی از آنچه را که عقل در زمینه اخلاقیات تشخیص می‌دهد، نداشتن ایمان به آخرت و استخفاف امر حساب و جزا یا فراموشی موقت روز حساب می‌داند (همان، ج ۱۲، ص ۴۰۲) و به همین نسبت، معتقد است که قوی‌ترین مانع از انحرافات اخلاقی (همان، ج ۶، ص ۲۹۰) و تنها عامل پایبندی به اخلاق، ایمان است (همان، ج ۴، ص ۱۱۶) که در بحرانی‌ترین لحظات، انسان را در مسیر اخلاق حفظ می‌کند.

## ۲-۳- الگوی منابع انگیزشی در قرآن

بر اساس یافته‌ها، می‌توان منابع انگیزشی عمل اخلاقی را در قالب الگوی زیر (شکل ۲) نشان داد. در این تصویر، گرایش‌های فطری به منزله انگیزه پایه و مبنایی برای اخلاق‌ورزی در نظر گرفته شده است. می‌توان مسیر تغییرات اصلی در انگیزش اخلاقی را از «مقبولیت اجتماعی» به «آسایش اخروی» و سپس، «محبت الهی» در نظر گرفت. در تصویر ۲، هر کدام از دایره‌ها یا حلقه‌ها، سطح و مرحله‌ای از انگیزش اخلاقی را نشان می‌دهند که هر چه از مرکز دایره به سمت خارج حرکت کنیم، سطح انگیزشی پیشرفته‌تری برای فرد مطرح می‌شود. طبیعتاً برای پیشرفت در هر مرحله، مشاهده و الهام گرفتن از الگوهای متناسب نیز منبع انگیزشی مکمل و مفیدی است. همچنین، هر مرتبه از انگیزه‌ها و اعمال اخلاقی بر اثر مداومت، به مرور، منش تقوایی متناسب با خود را ایجاد می‌کند که به نوبه خود می‌تواند به عنوان یک منبع انگیزشی قدرتمند و مکمل وارد عمل شود.



تصویر شماره ۲. الگوی انگیزش اخلاقی در قرآن کریم

در توضیح بیشتر برای الگوی ارائه شده، می‌توان گفت علاوه بر گرایشات فطری، عمومی و اولیه برای اخلاق‌ورزی، می‌توان سه سطح انگیزشی را برای افراد گوناگون در نظر گرفت. در پایین‌ترین سطح، سه عامل تمایل به مقبولیت اجتماعی، مشاهده رفتار انسان‌های اخلاق مدار (به عنوان الگو) و (ملکه) تقوای عام شکل گرفته در فرد، او را برای رفتار اخلاقی برمی‌انگیزند. در سطح میانی، سه عامل تمایل به آسایش اخروی، مشاهده رفتار انسان‌های مؤمن اخلاق مدار (به عنوان الگو) و ملکه تقوا (بر اساس خوف و رجا)، منابع انگیزش اخلاقی فرد هستند. در بالاترین سطح انگیزش اخلاقی نیز سه عامل جاذبه محبت الهی، مشاهده رفتار مؤمنان اخلاق مدار مخلص و ملکه تقوا (نشأت گرفته از محبت الهی)، منابع اخلاقی انسان برای اخلاق‌ورزی به حساب می‌آیند.

#### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، منابع انگیزش اخلاقی در قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته و در نتیجه، شش منبع انگیزشی شناسایی شده است. این منابع نشانگر توجه ظریف قرآن کریم به تفاوت درجات و آمادگی انسان‌ها است. تأمل در مباحث انگیزش اخلاقی در قرآن کریم نشان می‌دهد که:

- انگیزش اخلاقی بسته به تفاوت‌های فردی، دارای منشأهای مختلف است.
- منابع انگیزشی مختلف، دارای سطوح و رتبه‌بندی متفاوتی است.
- همه انسان‌ها حتی غیردینداران نیز بنا بر سرشت اولیه خود از برخی منابع انگیزشی پایه و حداقلی (گرایش‌های فطری) و تأسی به الگوها و تمایل به مقبولیت اجتماعی برای اخلاق‌ورزی، برخوردارند.
- انگیزه پایه (گرایش‌های فطری به خوبی‌ها و کراهت از بدی‌ها) به دلیل تزاخم شدید انگیزه‌ها، به تنهایی برای پایبندی به ارزش‌های اخلاقی کفایت نکرده و ضمانت اجرایی ندارد. این در حالی است که انگیزه‌های اخلاقی متعالی‌تر، قوی‌تر و مطمئن‌تر (وصول به آسایش اخروی و محبت الهی) منوط به ایمان به خداوند متعال است.
- شخصیت و منش تقوا، یک منبع انگیزشی قدرتمند است و بنا بر ماهیت تشکیکی خود، در تمامی مراتب رشد و تکامل انسانی و اخلاقی می‌تواند شکل گرفته و فرد را پشتیبانی کند (محدود به تقوای الهی نیست).
- بنا بر یافته‌ها، از عموم انسان‌های سلیم‌الفطره انتظار می‌رود که متناسب با مرتبه کمالی خود، اخلاقی عمل کنند و در صورت بهره‌گیری از برنامه‌های هدایتی پیامبران الهی، به مراتب و سطوح بالاتر انگیزشی هدایت شده و پایبندی بیشتری در اخلاق‌مندی، از خود نشان دهند.
- نظام‌های اخلاقی غیردینی در بحث انگیزش اخلاقی، یا بر شناخت عقلی و گرایش فطرتی و درونی تکیه می‌کنند که به تنهایی مبنای مستحکمی نبوده و در خطر است، یا سعی می‌کنند از طریق الگودهی، تشویق و ترغیب به پذیرش هنجارهای اجتماعی، ایجاد هویت و منش اخلاقی و ...، انگیزه لازم را در متریان ایجاد کنند که این امر بدون اتکا به پشتوانه دینی و ایمان به حضور و نظارت دائمی خداوند و نظام خلل‌ناپذیر و بسیار جدی جزا و پاداش اخروی، تنها تا حد محدودی می‌تواند مفید و موثر واقع شود. گذشته از این که اساساً از وادی معرفت و محبت الهی که پرجاذبه‌ترین و حقیقی‌ترین انگیزش اخلاقی را فراهم می‌کند، غافل و بی‌بهره هستند.
- علاوه بر بحث نظری راجع به انواع انگیزه‌های رفتار اخلاقی، بخش مهمی از دلالت‌های اصلی این بحث نظری، مربوط به برنامه‌های عملی تربیت اخلاقی است. مریبان و دست‌اندرکاران تربیت اخلاقی، در پی ظهور و بروز و نهادینه کردن رفتارهای اخلاقی در متریان هستند و برای این کار، آگاهی از ارزش‌های اخلاقی و شناخت فضایل و رذایل، شرط لازم اما ناکافی به حساب می‌آید. مریبان دریافته‌اند که متغیرهای غیرشناختی دیگری (همچون انگیزه‌ها) هم در بروز رفتار مؤثرند و حتی می‌توانند به قدری قدرتمند باشند که تأثیر عوامل شناختی را خنثی کرده و انسان را به عمل بر خلاف علم خود برانگیزند. به گفته بسیاری از

اندیشمندان تعلیم و تربیت، راز بی‌نتیجه ماندن بسیاری از اقدامات تربیتی را می‌توان در کم‌توجهی به بحث انگیزش جست‌وجو کرد (رزاقی، ۱۳۸۸). بنابراین تربیت اخلاقی باید علاوه بر بینش‌ها، به عوامل انگیزشی نیز توجه ویژه مبذول دارد و فرد را برانگیزاند تا به آموخته‌ها توجه داشته و به آن‌ها پایبند باشد. لذا اولین دلالت تربیتی این بحث مربوط به ضرورت تلاش جدی برای ایجاد و تقویت انگیزه مناسب در متربیان است که در این زمینه می‌توان از منابع انگیزشی مطرح شده در کلام خداوند به عنوان اولین مربی بشر (که در این مقاله تعدادی از آن‌ها مطرح شد)، الهام گرفت.

نکته مهم دیگر در بحث تربیت اخلاقی، ضرورت اصلاح انگیزه‌ها و ارتقای سطح انگیزشی متربیان است. در دیدگاه اسلامی، ارزش رفتار، تنها به ارزش فعلی وابسته نیست؛ بلکه به ارزش فاعلی نیز بستگی دارد. به عبارت دیگر، حقیقت رفتار انسان با انگیزه او نیز محک می‌خورد و حسن و قبح آن از زیبایی و زشتی انگیزه او رنگ و رو می‌پذیرد. به عبارت دیگر هر چه انگیزه برتر و متعالی‌تر باشد، رفتار برآمده از آن نیز، ارزشمندتر خواهد بود (رهنمایی، ۱۳۸۸).

اگر انگیزه را تعبیر دیگری از نیت عمل در نظر بگیریم، به اعتقاد اندیشمندان اسلامی، نیت، رابطه تکوینی با عمل دارد و به آن حیات می‌بخشد و در حقیقت، عمل بدون نیت یک کالبد مرده است که ارتباطی با دل و روح فاعل پیدا نکرده و نتیجه‌ای در پی ندارد. لذا اگر در عملی اساساً نیت نباشد یا نیت صحیحی به کار گرفته نشود، آن عمل موجب کمال نفس نخواهد شد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳-۱۱۲). در روایات نیز آمده است که ارزش رفتار انسان بستگی به انگیزه و نیت او دارد و چه بسا انگیزه انسان مؤمن از رفتار او نیز با ارزش‌تر است<sup>۱</sup>. بر این اساس، یکی دیگر از وظایف مربیان اخلاق، توجه به سطح انگیزشی متربیان و تلاش جدی برای ارتقاء آن است. به عبارت دیگر، مربی باید تمام تلاش خود را به کار ببندد تا بهترین الگو برای متربیان باشد، ایمان و حب عبودی را در آن‌ها تقویت کند، از وابسته کردن آن‌ها به منابع انگیزشی مادی و دنیوی (همچون مقبولیت در میان مردم یا ترس و شرم و حیا صرفاً از آن‌ها) و بسنده کردن به چنین انگیزه‌ای اجتناب کند و از طریق ایجاد موقعیت‌های عملی و تمرین و تکرار رفتارهای اخلاقی، در شکل‌گیری منش اخلاقی مناسب تلاش کند.

در پایان می‌توان پیشنهادات زیر را برای پژوهشگران علاقمند به این حوزه مطرح کرد:

- بررسی مقایسه‌ای مبانی نظام انگیزش اخلاقی در قرآن کریم با سایر نظام‌های موجود جهانی؛

۱- قال رسول الله ﷺ: نية المؤمن خير من عمله و نية الكافر شر من عمله و كل عامل يعمل على نيته (كليني، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۸۴).

- بررسی مقایسه‌ای اثربخشی این دو نظام انگیزشی در مقام عمل؛
  - بررسی آسیب‌شناسانه وضعیت دانش‌آموختگان نظام آموزش رسمی و غیررسمی کشور از حیث انگیزش اخلاقی؛
  - بررسی راهکارها و روش‌های ارتقای انگیزش اخلاقی در متربیان؛
- امید است که این پژوهش، گامی مفید برای روشن کردن پیچیدگی‌های انگیزش اخلاقی برداشته و توانسته باشد راه را برای پژوهش‌های کاربردی بعدی نیز هموارتر کند.

## منابع

### قرآن کریم

- آقایپروز، علی؛ خدمتی، ابوطالب؛ شفیعی، عباس؛ بهشتی نژاد، سید محمود (۱۳۸۵). **مدیریت در اسلام**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم
- اسکالمن، میشل (۱۳۸۷). «**انسان اخلاقی**»، ترجمه محمدرضا جهانگیرزاده، پگاه حوزه، شماره ۲۴۳، آبان ۱۳۸۷، صص ۱۴-۲۳
- اسماعیلی تاجیک، عزیزالله (۱۳۸۸). تحلیل مبانی انگیزشی احساس دینی، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، صص ۷۵۰-۷۲۳، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)
- اسماعیلی، رضا (۱۳۷۹). **بررسی اوضاع و ویژگی‌های فرهنگ عمومی اصفهان (گزارش تحقیق)**، اصفهان: انتشارات اداره کل دبیرخانه فرهنگ عمومی اصفهان
- بدار، لوک؛ دزلی، ژوزه؛ لامارش، لوک (۱۳۸۱). **روانشناسی اجتماعی**، ترجمه حمزه گنجی، تهران: نشر ساوالان
- بیات، فریبرز (۱۳۷۲). **تأثیر عام‌گرایی بر اخلاق**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه، تهران: دانشگاه شهید بهشتی
- توماس، ل (۱۳۸۴). **روانشناسی اخلاق**، ترجمه منصور نصیری، مجموعه مقالات جستارهایی در روانشناسی اخلاق، قم: نشر معارف
- دلاور، علی (۱۳۸۴). **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**، تهران: انتشارات رشد
- رزاقی، هادی (۱۳۷۷). **انگیزش در اخلاق از دیدگاه قرآن کریم**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). «تأثیر بینش بر انگیزش در تربیت دینی و اخلاقی»، در: مجموعه مقالات تربیتی: تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی. به کوشش عبدالرضا ضرابی، صص ۱۸۷-۱۷۵، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)
- رویایی، رمضانعلی؛ بیات، علی (۱۳۹۰). «آموزش اخلاق در حسابداری: بررسی تأثیر انگیزش اخلاقی بر روی رفتار اخلاقی»، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۹، فصل بهار، ۱۳۹۰، صص ۵-۹

رهنمایی، سید احمد (۱۳۸۸)، «پایه‌های روان‌شناختی تربیت دینی»، در: *مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر*، صص ۷۸۱-۸۱۰، قم: مؤسسه امام خمینی (ره) سرمد، زهره؛ بازرگان، علی و حجازی، الهه (۱۳۷۶)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: انتشارات آگاه

شریفی، حسن پاشا؛ شریفی، نسترن (۱۳۸۳)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: انتشارات سخن

طالبی، ابوتراب (۱۳۸۰)، *بررسی تعارض بین ارزش‌های اخلاقی مذهبی و کنش‌های اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستان‌های مناطق ۳ و ۵ تهران*، رساله دکتری در جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، جلد‌های ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹ و ۲۰، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷)، *به سوی خودسازی*، قم: مؤسسه امام خمینی (ره) مهدوی‌نژاد، محمد حسین (۱۳۹۱)، «تحلیلی فلسفی از مبانی انسان‌شناختی و انگیزش اخلاقی در اندیشه علامه طباطبایی»، *حکمت صدرایی*، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۹۵-۱۰۸

وجدانی، فاطمه؛ ایمانی، محسن؛ اکبریان، رضا؛ صادق‌زاده قمصری، علیرضا (۱۳۹۱)، «پایه‌های فطری اخلاق در نظریه علامه طباطبایی (ره) و اصول تربیتی مبتنی بر آن»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۱۵، صص ۹-۳۷

Bailey, C. D.; Thoma, S. J. (2010), «Revitalizing Accounting Ethics Research in the Neo-Kohlbergian Framework: Putting the DIT into Perspective», *Behavioral Research in Accounting*, Vol. 22, No. 2, pp. 1-26

Blasi, A. (1980), «Bridging moral cognition and moral action: A critical review of the literature», *Psychological Bulletin*, 88, pp. 1-45

- Hardy, S. A. (2006), «Identity, Reasoning, and Emotion: An Empirical Comparison of Three Sources of Moral Motivation», *Motiv Emot*, 30, 207-215
- Noddings, N. (1995), *Philosophy of Education*, Colorado: Westview Press
- \_\_\_\_\_ (1992), *The Challenge to Care in Schools*, New York: Teachers College Press
- Thoma, S. J. (1994), *Moral judgment and moral action*. In: J. R. Rest & D. Narvaez (Eds), *Moral development in the professions: Psychology and applied ethics* (pp. 199-212). Hillsdale, NJ: Erlbaum
- Weisbrod, E. (2009), «The role of affect and tolerance of ambiguity in ethical decision making», *Journal of Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 25, pp 57-63

Archive of SID